

ORIGINAL ARTICLE

A Reflection on the Status of Endowments and the Challenges of the Endowment Institution of Khamsa (Zanjan) during the Reza Shah Era

Hasan Rostami

Ph.d. in History of Iran after Islam,
Department of Islamic History and
Civilization, Faculty of
Humanities, University of Zanjan,
Zanjan, Iran.

Correspondence:
Hasan Rostami
Email: rostami.h1210@gmail.com

Received: 25 Jun 2024
Accepted: 05 Oct 2024

How to cite

Rostami, H (2024). A Reflection on the Status of Endowments and the Challenges of the Endowment Institution of Khamsa (Zanjan) during the Reza Shah Era. *Iran Local Histories*, 12(1), 139-154. (DOI: [10.30473/lhst.2024.71645.2921](https://doi.org/10.30473/lhst.2024.71645.2921))

Abstract

The culture of endowment has long held great importance among various classes of Iranians; however, the lands and properties endowed have occasionally been subject to misuse and exploitation by different groups. In the Khamsa region (Zanjan), the extent of endowments and the status of the endowed properties were unclear until the late Qajar period. During the Constitutional Revolution, with the establishment of the Ministry of Education, Endowments, and Luxury Industries, the issue of reviewing and overseeing endowments began. However, in various regions, including Khamsa, objections were raised by the endowers. This trend continued during the reign of Reza Shah. The main research question in this study is: Considering the status of the endowments in the Khamsa region, what challenges and constraints did the Endowment Institution of Khamsa face? Based on initial findings, part of the endowments in Zanjan during the Qajar era were subject to misuse. In the Reza Shah period, under the leadership of Etehad Razani, the process of reviewing the files began. Despite the initial ups and downs and certain shortcomings, such as a lack of financial and human resources, with the support of the ministry and the diligence of the officials, the situation of the endowments was partially organized, and several important cases were completed. Nevertheless, the government's actions caused instability in the position and functions of the endowment institution. Although these actions were effective in reforming some processes and organizing matters related to endowments, in reality, the management of a large number of endowment properties was taken over by the government, either under the title of unknown trustees or by claiming the non-compliance of the trustees—an action that conflicted with the intentions of the founders. This study, utilizing library resources and articles, focuses on documents from various organizations and families, using a historical method and a descriptive-explanatory approach to the subject.

KEY WORDS

Endowment, Zanjan, Qajareyeh, Rezashah.



«مقاله پژوهشی»

تأملی بر وضعیت موقوفات و چالش‌های نهاد اوقاف خمسه (زنجان) در دوره رضاشاه

حسن رستمی

چکیده

فرهنگ وقف از دیرباز اهمیت بالایی در میان طبقات مختلف ایرانی داشته، اما اراضی و املاک وقفی برخی مواقع مورد سوء استفاده و سودجویی گروه‌های مختلف قرار گرفته است. در ولایت خمسه (زنجان) تا اواخر دوره قاجاریه میزان وقف و وضعیت موقوفات مشخص نبود. در عصر مشروطه با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، موضوع بررسی و نظارت بر موقوفات آغاز شد، اما در مناطق مختلف از جمله خمسه، اعتراضاتی از سوی موقوفه‌داران صورت گرفت. این رویه در دوره رضا شاه نیز استمرار یافت. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که با توجه به وضعیت موقوفات منطقه خمسه، نهاد اوقاف خمسه با چه چالش‌ها و تنگنایی‌هایی روبرو شد؟ بر اساس یافته‌های اولیه، بخشی از موقوفات زنجان در عصر قاجار با سوءاستفاده مواجه شد. در دوره رضا شاه، با ریاست اعتضاد رازانی، روند بررسی پرونده‌ها آغاز شد. اداره با وجود فراز و نشیب‌های نخستین و برخی کاستی‌ها نظیر کمبود منابع مالی و انسانی، با پشتیبانی وزارتخانه و ممارست مأموران، تاحدودی به وضعیت موقوفات سامان داد و تعدادی از پرونده‌های مهم را به پایان رساند. با این حال، اقدامات دولت در جایگاه نهاد وقف و کارکردهای آن ایجاد تزلزل نمود. این اقدامات گرچه در اصلاح برخی فرایندها و سامان دهی به امور مرتبط با اوقاف، موثر واقع شد ولی در حقیقت، تولید بخش زیادی از املاک وقفی با عناوین مجهول التولیه یا به بهانه عدم تمکین متولیان، در اختیار دولت قرار گرفت؛ اقدامی که در تعارض با نیت واقفان بود. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌ها، با تکیه بر اسناد سازمان‌های مختلف و خاندان‌ها، با روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تبیینی به موضوع پرداخته است.

واژه‌های کلیدی

اوقاف، زنجان، قاجاریه، رضاشاه.

دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

نویسنده مسئول:

حسن رستمی

رایانامه: rostami.h1210@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴

استناد به این مقاله:

رستمی، حسن (۱۴۰۳). تأملی بر وضعیت موقوفات و چالش‌های نهاد اوقاف خمسه در دوره رضاشاه. فصلنامه علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲(۱)، ۱۵۴-۱۳۹.

(DOI: 10.30473/lhst.2024.71645.2921)



۱. مقدمه

سنت وقف و جایگاه موقوفات در جامعه ایران به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. با توجه به وابستگی موقوفات به احکام و شرایع مذهبی، روحانیون غالباً امر بررسی و نظارت‌ها را انجام می‌دادند. در دوره‌های مختلف با وجود تلاش‌های بیشتر واقفان در تعیین میزان چگونگی مصرف و انتخاب متولیان، موقوفات با سوءاستفاده مواجه شد. در دوره ناصرالدین شاه قاجار با توجه به از بین رفتن اسناد وقفی، وزارت معارف و اوقاف تشکیل گردید و تلاش‌ها بر سامان‌بخشی، نظارت و رسیدگی بر موقوفات متمرکز شد. با پیروزی انقلاب مشروطیت و افتتاح مجلس دوم شورای ملی، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۲۸ ه.ق تأسیس و نظارت و بررسی موقوفات در مناطق مختلف آغاز گردید. به‌رغم تلاش‌های کارگزاران عصر قاجار، متصدیان موقوفات در برخی ولایات به مخالفت برخاستند و در نتیجه نتایج چندان مهمی حاصل نشد.

سنت وقف در منطقه خمسه (زنجان) به دلیل اراضی، املاک و مستغلات ارزشمند، وجود خاندان‌ها و گروه‌های برجسته و مدارس متعدد دینی، جایگاه برجسته‌ای داشت. در عصر قاجار با توجه به تلاش‌های حاکمانی نظیر شاهزاده عبدالله میرزا دارا در احداث و وقف بناهای عام‌المنفعه و تجار و زمین‌داران ثروتمندی مانند میرزا نصرالله خان و میربهاءالدین حسینی زنجان، این سنت ادامه یافت. آنچه به نظر می‌رسد، در سال‌های بعد سوءاستفاده و تعدی نوادگان واقفان و بی‌مبالاتی متولیان و ناظران قابل توجه بود. در این بین تعداد قابل توجه موقوفات و ناتوانی دولت در رسیدگی به شکایت‌های ارسالی به تهران، زمینه را برای دخالت و مصارف غیرقانونی افزایش داد.

با تأسیس نهاد اوقاف در زنجان، نظارت و بررسی موقوفات در اواخر عصر قاجار آغاز شد؛ اما با مقاومت و سرپیچی متولیان و موقوفه‌داران به سرانجام نرسید. در دوره رضا شاه سیاست‌ها و برنامه‌هایی در حوزه وقف از جمله در ولایت خمسه به اجرا درآمد ولی به موفقیت منجر نشد. سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که با توجه به وضعیت موقوفات منطقه خمسه در عصر رضاشاه، نهاد اوقاف خمسه با چه چالش‌ها و تنگناهایی روبرو شد؟

پژوهش حاضر با توجه به منابع کتابخانه‌ای، مقاله‌ها و بهره‌مندی از اسناد سازمان‌های مختلف و خاندان‌ها، به روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تبیینی بررسی شده است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پیرامون وضعیت موقوفات، کارکردها، موانع و چالش‌های نهاد اوقاف زنجان پژوهشی انجام نشده است. در آثار مشابه، مقاله «وضعیت اوقاف دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و شکایات واقفان»، نوشته عطیه سادات طباطباییان، به ناتوانی و ناکامی‌های دولت قاجار در راستای بهبود وضعیت اوقاف کشور پرداخت. براساس تحقیق نویسنده، مجلس شورای ملی به دلیل بسترسازی نامناسب در اجرای برنامه‌ها، با ناکامی روبرو شد. در این‌باره درگیری با مسائل گوناگون و عدم همراهی حکومت را می‌توان نام برد. مقاله «چالش‌های نظام اوقاف ایران عهد رضاشاه پیش از تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳؛ مطالعه موردی نواحی مرکزی استان مازندران»، نوشته مهدی عباسی و همکاران، به خیانت‌ها، ناکارآمدی و عدم تمکین متولیان نسبت به وزارت معارف و اوقاف پرداخته است. از این نویسندگان، مقاله‌ای با عنوان «سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول»، روند ده ساله حکومت رضاشاه در وضع قوانین جدید اوقافی و ایجاد تغییرات را بررسی کرده است. از دیگر پژوهش‌های مشابه با قلمرو مکانی دیگر می‌توان به مقاله «نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقفنامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی)» اثر اسدالله نیک مهر و هادی وکیلی، مقاله «بررسی کارکردهای وقف شوشتر در دوره پهلوی» (۱۳۵۷-۱۳۰۴) اثر علی اکبر کجباف، پروین بیگ محمدی و مرتضی نورایی و پایان‌نامه عبداله قبادی نصر با عنوان «بررسی کارکرد نهاد وقف در دوره پهلوی (اول و دوم) با محوریت شهرستان خرم‌آباد» اشاره کرد. در این پژوهش‌ها، کارآمدی و ناکارآمدی برنامه‌های حکومت در این حوزه و عوارض و پیامدهای برخی از اقدامات در حوزه املاک وقفی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. جایگاه اوقاف زنجان در عصر قاجار

و مسئله موقوفات

ساختار و ماهیت موقوفات دارالخلافه تهران از عصر قاجار تا دوره پهلوی ثابت ماند و موقوفاتی نظیر مدارس صدر، مروی، محمدیه، تکایای چال حصار، رضاقلی خان، زرگرها، چهل تن و هفت تن تغییر نکردند. توسعه تهران در افزایش تعداد مغازه‌های وقفی تأثیری نداشت. تعداد موقوفات محلات قدیم نسبت به جدید بیشتر بود و در محلات اعیان‌نشین با توجه به مسئله امنیت، گرایش‌های مذهبی گروه‌های پایین و ارزش و اعتبار بالای محلات، کمتر بود (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۸۴-۱۸۵). در مقایسه با دارالخلافه تهران، ولایت خمسه با

مرکزیت زنجان توسعه چندانی نداشت و موقوفات سیر تقریباً ثابتی را طی کرد. با حکمرانی شاهزاده عبدالله میرزا دارا در دوره فتحعلی شاه قاجار، بازار و مسجد جامع به عنوان پایگاه تجارت و مذهب ساخته شد و مغازه‌های مجاور به عنوان رقبات موقوفه تعیین شدند (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۲). موقوفات ارزشمند زنجان در رشد کسب و کارها تأثیر گذاشت؛ اما وضعیت نابسامان اقتصادی و جنگ‌های بابیان موجب وخامت اوضاع شد (عیسوی، ۱۳۸۹: ۴۰، اعتضادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶۷-۶۸). اراضی و املاک موقوفه در مناطق روستایی و عشایری، با توجه به جمعیت و وسعت قابل توجه، پایگاه قوی مذهب و تأثیر دستگاه روحانیت، بیشتر از شهر زنجان بود (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱). در عصر قاجار غالباً با فرمان پادشاهان، یکی از علمای بزرگ زنجان وظیفه سرپرستی، نظارت و تنظیم موقوفات منطقه را برعهده می‌گرفت. در سندی به تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۵۲، محمدشاه قاجار امور اوقافی را به میرزا نصرالله شیخ‌الاسلام سپرد و بر نظارت این عالم برجسته در موقوفات قیدار نبی تأکید کرد (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱). در اسناد مربوط به املاک و اراضی منطقه خمسه، وقف‌نامه‌ها را علمای بزرگ زنجان تأیید می‌کردند و بر انجام وقف‌نامه‌ها نظارت داشتند (مجموعه صورت وقف‌نامه در زنجان، بی‌تا: ۱-۲). میرزا ابوالقاسم مجتهد از علمای مهم منطقه خمسه در دوره ناصری، امر رسیدگی و نظارت موقوفات را برعهده داشت. در سال‌های پیش از مشروطیت، فرزندان بر اسناد موقوفات صحه می‌گذاشتند. در سندی مربوط به سال ۱۳۲۱ ه.ق، اجاره‌نامه روستای رازبین در محکمه میرزا ابوطالب بن ابوالقاسم موسوی ثبت گردید (اسناد موزه مهرانه زنجان، ۱۴۰۲). موقوفات ارزشمندی مانند مسجد جامع، برخی مواقع مورد ستیز مدعیان و متصدیان قرار می‌گرفت (ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰: ص ۱۰). در ملفوفه‌ای از ناصرالدین شاه قاجار به عمیدالملک حکمران خمسه، فرمان منع دخالت خلاف شرع در موقوفات مسجد جامع و رعایت حال و آسایش متولی وقت میرزا ابوالفضایل امام‌جمعه صادر شد (ساکماق، شماره سند ۱۴۲۲۵: ص ۱). ناصرالدین شاه قاجار بعد از وفات واقف بزرگ زنجان میربهاءالدین حسینی نیز، دو تن از بازماندگان با نام‌های سیدعبدالله و سیدمحمد را با اهدای دو ثوب عبا تفقد نمود (ساکماق، شماره سند ۱۴۲۲۹: ص ۱).

وابستگی به نهاد دین و حمایت علما، تا حد زیادی گروه‌های پایین را از آسیب‌های احتمالی زمین‌داران و موقوفه‌خواران مصون می‌کرد. مدعای حاضر با عنایت به وجود خوانین بزرگ و نظارت اندک حکومت و ضعف دولت مرکزی در ولایت خمسه، قابل اثبات است.

جهت تبیین مطلب باید افزود، اهالی خوئین با مشاهده تاخت و تاز شاهزاده سالارالدوله، ذوالفقار خان اسعدالدوله و جهانشاه خان امیرافشار، روستا را موقوفه اعلام کردند. براساس تلگراف شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما به امیرافشار، اهالی این روستا طی عریضه‌ای به حضور مظفرالدین شاه قاجار، ضمن اعلام موقوفه بودن روستا، از خوانین شکایت کردند. علمای این روستا نیز به عنوان نمایندگان مردم، چاره‌ای جز پناه بردن به قوانین شریعت و موقوفه خواندن املاک و اراضی‌شان نداشتند و در ادامه با وزارتخانه‌ها و مجلس شورای ملی به مکاتبه پرداختند (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳: صص ۲۰، ۳۷-۳۸).

با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و تصویب قوانین مربوطه در عصر مشروطیت (۱۳۲۸-۱۳۲۹ ه.ق)، نهاد اوقاف زنجان با هدف نظارت و کسب درآمدهای اوقافی و بررسی زمین‌ها و املاک مجهول‌التولیه، آغاز به کار کرد. اداره اندکی بعد برای تعیین وضعیت متولی موقوفات مسجد جامع دخالت نمود (اسناد خاندان آل‌شاهی، ۱۴۰۲). با این وجود، اقتدار و جایگاه نهاد نوبنیاد اوقاف زنجان تثبیت نشده بود، پایگاه چندان مطمئنی در بین گروه‌های مختلف نداشت و غالباً با عدم پشتیبانی و حمایت کافی از سوی وزارتخانه، استعلام و استشهادیه املاک اوقافی با دخالت و حضور علمای بزرگ انجام می‌شد (اسناد موزه مهرانه، ۱۴۰۲).

با ریاست شیخ ابراهیم زنجانی بر اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۳۵ ه.ق (ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰: ص ۷۹-۸۳)، وضعیت رسیدگی به موقوفات تغییر کرد. زنجانی در نامه‌ها و تلگراف‌ها به سیدمصطفی رئیس اداره زنجان، دقت نظر در رسیدگی به پرونده‌های اوقافی را سفارش می‌کرد. پیگیری وضعیت تولیت و نظارت بر موقوفه ارزشمند مسجد جامع، از خواسته‌های زنجانی بود. او دخالت‌های خاندان امام جمعه در موقوفه را صحیح نمی‌دانست (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۶۶-۱۶۸؛ ساکما، شماره سند ۱۶۷۸۷/۰۲۵۰: ص ۳۸-۳۹). به گفته شیخ ابراهیم زنجانی، در «ولایت خمسه اداره اوقاف به معنای واقعی کلمه نداشت» (ساکما، شماره سند ۱۸۰۹۸/۰۲۵۰: ص ۲). با این وضعیت، بیشتر مصالحه‌نامه‌های منطقه خمسه در سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۴۲ ه.ق، با امضای طرفین و بدون دخالت اداره انجام شد. مصالحه‌نامه محمدتقی میرزا رشیدنظام از میرزا ابوالقاسم موسوی، پیرامون منافع ۴۴ شعیر زمین وقفی، ۱۳ باب دکان واقع در طرف شرقی بازار قیصریه جدید، با منافع ۲ دانگ زمین وقف از کل ۶ دانگ در این مقطع نوشته شد (اسناد موزه مهرانه، ۱۴۰۲).

نداشت و عده‌ای افتخاری خدمت می‌کردند. کارمندی بیست تومان حقوق داشت که پرداخت آن، منوط به تصویب بودجه سالیانه از مرکز بود. اعتضاد رازانی نیز، ماهی چهل تومان کمک خرجی دریافت می‌کرد؛ اما برای پیشرفت امور به ۱۵ تومان راضی شد. به میرزا علی خان مقدسی ۵ تومان کمک خرجی و به باقرخان مستخدم ۲ تومان داده شد. برای پیشرفت امور، با برخی پرونده‌های مهمی نظیر موقوفات مسجد جامع ماشات شد و در دست متصدیان وقت باقی ماند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲: ص ۱۳۶ و ۱۴۲). به گفته نویسنده‌ای، «قریب به دو کروار اسناد اوقاف خمسه جمع‌آوری و رسیدگی نشده بود، که هرگاه عملی می‌شد، نتایج مفید خصوصی و عمومی عاید می‌گردید» (پروین خمسه، ۲۹ دی ۱۳۱۰: ۱). به تدریج وسایل پیشرفت کار اداره فراهم شد و در هشتم اسفند ماه ۱۳۰۹ ه.ش، ۱۱۴ فقره پرونده مربوط به تجار و کسبه تکمیل گردید. اداره با دشواری، موقوفه‌داران را حاضر به ثبت رقبات کرد. عده‌ای، تصمیم به ممانعت از انجام کار گرفتند؛ اما مخالفت‌ها علنی نبود و در پس پرده انجام شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷: ص ۴۱).

نخستین و مهمترین پرونده، موقوفات مسجد جامع بود، که از دوره قاجار ناظران وقت از نوادگان عبدالله میرزا دارا و امامان جمعه به عنوان متولیان در اختلاف بودند. براساس گزارش امین اوقاف زنجان، معارضین مدعی تولیت به اسناد مختلف استناد می‌کردند، لذا بدون رویت اصل اسناد، تحقیق به سرانجام نمی‌رسید (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۰۳۶۷: ۲-۶). در سال‌های پس از مشروطه، اعتراض طلاب نسبت به وضعیت مدرسه و پرداخت شهریه، به دولت مخابره شد (ساکما، شماره سند ۲۹۷/۳۰۳۶۷: ۶-۸). متولی مسجد نیز نسبت به وضعیت موقوفه اظهار بی‌گناهی می‌کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۹۴۸: ص ۳۹) و ناظر وقت سردار حشمت، عملکرد متولی را تایید می‌کرد. او ضمن معرفی نورالله خان به عنوان مباشر، از رئیس اوقاف درخواست همکاری داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷: ۳۹). پرونده دوم، «موقوفات بیگلربیگی» بود، که متولی مطهره خانم درحال پریشانی و استیصال، با افراد تحت تکفل زندگی می‌کرد و دکاکین درحال خرابی بودند. مطهره چند باب دکان در میدان مرسل داشت، که با توجه به استشهادیه و اصل وقفنامه، خواستار رسیدگی و دریافت مبلغی از عایدی موقوفه بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۴۲۴: ص ۷۴). «حمام حاج ابراهیم» واقع در ناحیه دو بازار زنجان، از دیگر پرونده‌های قابل بررسی بود. حاج ابراهیم جد بزرگ خاندان، کاروانسرای داشت و حمام را نیز در زمان حیات اجاره می‌داد (رستمی، ۱۴۰۲: مصاحبه با زین‌العابدین معبودی نواده حاج ابراهیم).

نهاد اوقاف زنجان با وجود برخی تلاش‌ها، در رسیدگی، نظارت و سرپرستی پرونده‌های اوقافی دوره قاجاریه با شکست مواجه شد و مشکلات امور به دوره رضاشاه منتقل گردید.

رضا شاه، در کنار سیاست نوسازی و با هدف محدود کردن جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه، در اوقاف دخالت کرد چون یکی از مبانی استقلال علما از این طریق بود. وی برای محروم کردن علما از این استقلال مالی و برای کاستن قدرت آنها، اجرای برنامه‌هایی را در دستور کار خود قرار داد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرایند اداری وقف افزایش دهد. تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ ش برای اداره امور وقف توسط دولت، قدرت تصمیم‌گیری وسیعی را به دولت داد. در این میان، در موارد متعدد، تصرف املاک وقفی توسط شاه و گسترش املاک او، صورت گرفت (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۲؛ شعبانی پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱، ۱۱۶، ۱۲۲).

افزون بر آن، پژوهش‌های انجام شده در خصوص نتایج برنامه‌ها و سیاست‌های حکومت در این دوره در مناطق کشور، علیرغم سامان دهی به امور موقوفه، پیامدهای مخربی بر وضعیت وقف و نهادهای متولی آن داشت. کاهش املاک وقفی به خصوص اراضی کشاورزی، تزلزل در کارکردهای مذهبی وقف در جامعه و کاهش تمایل به وقف به خصوص وقف مدارس و اماکن آموزشی از آن جمله است (قبادی نصر، ۱۳۹۲: ص ۱؛ کجباف و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۵۶).

۴. پرونده‌های پرشمار اوقافی زنجان

زنجان‌ها در ابتدای کار اداره اوقاف و با توجه به فعالیت کارگزاران، از سامان بخشی به وضعیت موقوفات امیدوار بودند (پروین خمسه، ۵ اردیبهشت ۱۳۱۰ ه.ش: ۱). با انتخاب میرزا محمد اعتضاد رازانی به ریاست اداره معارف و اوقاف و صنایع مستطرفة زنجان در سال ۱۳۰۹ ه.ش، تلاش‌ها به طور رسمی آغاز شد (روستایی، ۱۳۷۹: ۳). با گذشت ۱۴ سال از زمان فعالیت‌های نخستین، اقدام مهمی در مقابل متصدیان و متولیان نشده بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲: ص ۱۲۸). اعتضاد رازانی در آغاز کار به متولیان اختاریه‌هایی فرستاد، تا از منافع سالیانه املاک موقوفه و میزان مال‌الاجاره و عملکردها، صورت صحیحی بفرستند، تا املاک را اجاره دهند (پروین خمسه، ۱۹ اسفند ۱۳۰۹ ه.ش: ۴). به لحاظ اداری، وضعیت تا حدودی سامان یافت و ترتیب کارکنان، سوابق، میزان موقوفات و عایدی‌ها بررسی و ثبت شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲: ص ۳۸). کارکنان شب و روز برای اصلاح وضعیت تلاش می‌کردند. اداره دیناری عایدی و اعتبار

خواستار رسیدگی و بازگرداندن رقبات بودند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷، ص ۴۷).

در طارم، مزارع مجهول‌التولیه و مجهول‌المصرف متعددی وجود داشت. از جمله «مزرعه کلوبین» نیازمند بررسی و نظارت بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲، ص ۷۲). اراضی و املاک موقوفات ابهرود نیز محل اختلاف و مناقشه بود. امامزاده قروه، امامزاده شریف‌آباد در تصرف اشخاص، امامزاده ازناپ در دست اهالی، امامزاده یعقوب و مزارع در دست مساکین، بقعه سید احمد زهرنوش در دست اشخاص، امامزاده زیدالکبیر نزدیک به هفتاد جریب فروخته شده و باقی تملک بود، امامزاده اسمعیل شطاط شصت جریب و کسری ملک و باغ به تولیت یک شخص، مسجد شطاط ابهر صد جریب ملک در دست رعیت، مدرسه هیدج وقف روستا و بیست شعیر در دست یکی از اهالی و ده شعیر در غصب شخصی دیگر قرار داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷، ص ۱۶). شخص دیگری نیز با زمین‌داران پیرامون سه دانگ مزرعه در ابهرود اختلاف داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۵۴۰، ص ۹). اداره معارف و اوقاف خمسه با توجه به پرونده‌های موجود آغاز به کار کرد و با هدف کسب درآمد برای اداره و رسیدگی به موقوفات مجهول‌التولیه و مجهول‌المصرف، و کسب درآمد برای حکومت، برنامه‌هایی را اجرا کرد.

۵. کاستی‌ها و موانع اوقاف زنجان در

سال‌های آغازین

با آغاز رسیدگی به امور اوقافی در سال ۱۳۰۹ ه.ش، چالش‌های مختلف آغاز شد و اداره را در تنگنا قرار داد. این موانع به شرح زیر در مقابل کارگزاران اوقاف قرار گرفت:

– مخالفت موقوفه‌داران و مداخله سایر نهادها

به گزارش اداره اوقاف زنجان، به مانند عصر قاجار اغلب متولیان و متصدیان در مقابل اقدامات مأموران ایستادند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷، ص ۳۶). برای مثال، در موقوفات مجهول‌التولیه و دریافت حق مباشر، متصدیان کاروانسرای حاج شهباز اعتراض داشتند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲، ص ۱۴۲). در این برهه به اعلانات اوقافی توجهی نمی‌شد. از سوی دیگر دخالت نهادهای دولتی در دریافت عواید اوقافی با نظارت سازمان مالیه، اداره را با چالش مواجه کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷، ص ۷۲).

به گفته بازرس اوقاف، حاج احمد معبودی نواده حاج ابراهیم و متصدی یک دانگ و نیم حمام، وقفنامه‌ای با نصف عواید مربوط به تعزیه‌داری و نصف دیگر برای مصرف فقرا در دست داشت. از سوی دیگر، متصدی حمام از طرف شخصی با نام محمود ساکن مشهد، ادعای وکالت می‌کرد. درحالی که براساس تحقیقات، محمود اسنادی ارائه نکرده بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲، ص ۹۹). در پرونده‌ای دیگر از بازار زنجان با نام «دکان وقفی کربلایی حسنعلی»، محسن معبودی نصف عواید را برای تعزیه‌داری و نصف دیگر را به مصرف فقرا می‌رساند؛ اما بدون اسناد کافی تولیت را ثبت کرده بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲، ص ۱۱۷). شکایت استینافی، پیرامون یک دانگ مفروض از شش دانگ روستای کرکین و تقاضای رفع ید و تخلیه رقبه مزبور، از مهمترین پرونده‌های قابل رسیدگی بازرسین اوقاف بود (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۶۱۱۰، ص ۱۰-۱۱). عریضه سبزه‌علی نصروطن نواده میرزا نصرالله خان نیز قابل اعتنا بود. به گفته نصروطن، جدش با وقف ملک، حمام و غیره به مسجد و مدرسه معروف نصرالله خان، تولیت را به آقا فتح‌الله جد شیخ‌الاسلام فعلی واگذار کرد. پس از نشر اعلان راجع به موقوفات، یک فقره سواد وقفنامه ملک چراغ حصار را به عنوان شکایت مطرح نمود، که جدش دو دانگ روستای مزبور، سه دانگ حمام معروف وقف مسجد و سه دانگ و سه شعیر کم و یک طاحونه (آسیا)^۱ از روستای گلوچه، وقف اولاد و نوادگان کرد. برای هر فقره نیز، یک وقفنامه وجود داشت، که در دست شیخ‌الاسلام بود و ملک گلوچه را به عنوان وقف مسجد، می‌دانست (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷، ص ۶۲). از دیگر پرونده‌ها، مجادله میرزا ابوالقاسم موسوی با عموزاده‌اش میرزا مهدی بر سر موقوفات اجدادی بود. به گفته میرزا ابوالقاسم، بخشی از میراث اجدادی به پدرش ابوالکارم رسید و سپس به مدت ده سال در اختیارش قرار گرفت؛ اما با مسافرت به عتبات و سپردن مدارک و اسناد به میرزا مهدی، با سوءاستفاده و ثبت خلاف واقع، عموزاده خیانت در امانت کرد. با توجه به نامه میرزا ابوالقاسم، سواد مدارک معروضه در اداره ثبت شده بود و ملاحظه و دقت در اسناد، متولی واقعی را مشخص می‌کرد (اسناد موزه مهرانه، ۱۴۰۲).

در مناطق مختلف خمسه پرونده‌های فراوانی وجود داشت. دو تن از ساکنان روستای تشویر محال طارم مدعی بودند که یک قرن پیش، جدشان ۱۵ روستا، مزارع و باغ را وقف کرد؛ اما در دوره‌های بعد با اجبار و فریب خوانین، از دستشان خارج شد و این دو تن

۱. مکانی که در آن با نیروی باد، آب یا دست، غلات را آرد می‌کردند.

– کمبود نیروی انسانی

به گزارش رئیس اوقاف، هنگام ثبت و ارسال سواد مدارک و تشکیل دایره تحقیق به ۳ نفر نیاز بود. دفاتر و دوسیه‌ها^۱ مستلزم رسیدگی بودند و کارها پیش نمی‌رفت. علاوه بر این، وجود ۳ نفر محاسب، منشی و دفتردار ضروری به نظر می‌رسید (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷: ص ۳۶). براساس نامه اداره به وزارت متبوع در مورخه ۱۳ آبان ۱۳۱۵، پرونده‌های فراوانی وجود داشتند. نظارت قانونی و پیگیری، دوسیه‌های تعقیبی و بررسی وضعیت امور اوقافی و تزییع حقوق وقف، کشف موقوفات در قصبات دوردست، بررسی حق التولیه‌ها و حق النظاره‌ها و پرونده‌های مربوط به شکایات مدعیان و متصرفان، نیازمند دو مأمور سیار بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۵۳ و ۵۴). به گزارش بازرس عالی وزارتخانه، یک مأمور رسمی و ثابت همه کارها را در زنجان انجام می‌داد و رئیس اداره با توجه به مشغله‌های امور معارفی، فرصت چندانی برای رسیدگی نداشت.

وکلائی مطلع به امور اوقافی، مهمترین نیاز اداره اوقاف زنجان بود. دو وکیل شناخته شده در شهر مشغله‌های خاص خودشان را داشتند و یاری از آن‌ها با توجه به دخالت‌ها و نفوذ متنفذین، به ضرر اداره تمام می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۶۲). از سوی دیگر کمبود بازرس آگاه به امور اوقافی موجب نارضایتی موقوفه‌داران و ناخرسندی وزارتخانه از وضعیت رسیدگی به پرونده‌ها شده بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۱۲۷). براساس تحقیقات، علاوه بر ثبت بدون تفکیک پرونده‌های اوقافی در دفتر عایدات، میزان بودجه موقوفات معلوم‌التولیه بررسی و تنظیم نشده نبود. ۵۰۰ فقره پرونده موقوفات مناطق انگوران و طارم نیاز به بازرسی داشتند، که غالباً مأموری غیررسمی، بدون آگاهی نسبت به مسائل و قوانین اوقافی به نقاط مختلف اعزام می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۸۹).

– ضعف وزارت معارف و نهادهای تابع

نهاد نوپای اوقاف زنجان نسبت به سایر ارگان‌ها قدرت و نفوذ کمتری داشت و غالباً ادارات مختلف نظیر عدلیه و بلدیه در امور اوقافی دخالت می‌کردند. در این دوره با توجه به انجام برخی اقدامات عمرانی در زنجان که با احداث خیابان‌ها و معابر مختلف سطح شهر همراه بود، بسیاری از املاک و مستغلات وقفی از بین رفت. اداره اوقاف با توجه به بودجه و تعداد مأمورین اندک، از درخواست و پیگیری خسارت ناشی

از رقبات نابود شده ناتوان بود. برای مثال در زمان احداث خیابان پهلوی در وسط شهر که خانه‌ها و مغازه‌های فراوانی از بین رفتند، نهادهای مربوطه مانند بلدیه نسبت به پرداخت خسارت از بین رفتن زمین‌های اوقافی مقاومت کردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۱۳۳ و ۱۳۵) و از این حیث موقوفه‌ها متضرر شدند.

– مشکلات اقتصادی و موانع اداری

محمد اعتضاد رازانی در آغاز ریاست بر نهاد اوقاف زنجان با مشکلات ناشی از دریافت حقوق مواجه بود. او در ماه‌های ابتدایی ورود به زنجان قسمتی از حقوق مقرر را دریافت می‌کرد؛ اما برای پیگیری بقیه حقوق، ناگزیر از اتلاف وقت و نامه‌نگاری و ارسال تلگراف‌های متعدد به اداره محاسبات و مالیه بود (اسناد موزه آموزش و پرورش استان زنجان، ۱۴۰۳). در آغاز رسیدگی به پرونده‌های اوقافی نیز، بودجه لازم پیش‌بینی نشده بود و اوقاف زنجان برای پیگیری پرونده‌ها و مسائل مربوط به امور معارفی مانند احداث دبیرستان دولتی، مبلغ ناچیزی در صندوق داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۱۲۵). با توجه به درخواست‌ها برای تخصیص اعتبار جهت تحقیقات محلی، اعتنایی به این موضوع نمی‌شد و بودجه لازم غالباً از صندوق درآمدها پرداخت می‌گردید (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۸۵). در این بین وکلای اداره به‌رغم جواز وکالت در بخش ابتدایی و استیناف، نیازمند ارسال لایحه و مجوز وزارتخانه در مرحله تمیز و مبلغ قابل توجهی پول جهت صدور جواز بودند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷: ص ۴۴). میزان حق‌الوکاله در صورت شکست پرونده‌ها نیز تعیین نشده بود و اداره بودجه کافی برای این منظور نداشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷: ص ۳۲). با کمبود اعتبارات و وکلای مورد نیاز، رسیدگی به شکایت‌ها و اعتراض‌ها غالباً با نمایندگی دو نفر از اعضا انجام می‌شد و برخی پرونده‌ها نیز به محکمه قزوین احاله می‌گردید. در این بین کارمندان رسمی اداره آشنا به امور اوقافی و قضایی نبودند و رئیس اوقاف طی نامه‌ای به تهران، کتاب‌هایی جهت رفع این موضوع درخواست کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۱۳). با توجه به پرونده‌های فراوان اوقافی، بودجه‌های مورد نیاز با نامه‌نگاری‌های متعدد به دست می‌آمد و استخدام نیروهای جدید و سامان‌بخشی به امور اوقافی، منوط به ارسال سریع بودجه به زنجان بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۴۹).

– اعتراض نسبت به عملکرد مأمورین اوقاف

تعطل در ارائه صورت وضعیت درآمدهای سال ۱۳۱۳. ش و قطع بی‌مورد درختان کهنسال مسجد، از مشکلات پیش روی اداره بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۱۲۶۰؛ ص ۵؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۹۴۸؛ ص ۸۵، ۹۱ و ۱۰۱). با عنایت به خرابی‌های گسترده مسجد جامع، راه‌حلی جز انحلال و آغاز تعمیرات نبود و سیاستی برای ادامه تحصیل طلاب مدرسه وجود نداشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۱۲۶۰؛ ص ۶۳). طلاب مدرسه، متولی کنونی و مأموران اوقاف را به عنوان عامل تضییع حقوقشان اعلام می‌کردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۱۲۶۰؛ ص ۶۷ و ۸۱). سرانجام اداره اوقاف، موقوفه را مجهول‌التولیه اعلام کرد. با توجه به مجموع شکایت‌ها، وزارتخانه در پرونده موقوفه دخالت مستقیم نمود و مبلغی صرف مرمت و بخشی را برای حقوق مدرسین و طلاب در نظر گرفت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۱۲۶۰؛ ص ۲۵ و ۶۱-۱۴۷؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۴۸۹۲؛ ص ۲۸۴). اداره اوقاف با توجه به شکایت‌های طلاب و مدعیان تولیت و توضیحات میرزا محمود امام‌جمعه متولی وقت، سرانجام تصمیم به رسیدگی موقوفات مسجد جامع گرفت. دایره تحقیق اوقاف زنجان پس از بررسی مجموع اسناد و مدارک مربوط به وقفنامه و سؤال از نمایندگان منطقه خمسه در مجلس شورای ملی و ناظر موقوفات یمین‌السلطان، بر تولیت میرزا محمود امام جمعه و اجدادش صحه گذاشت و حکم بر تولیت آنان صادر کرد (اسناد خاندان حسینی، ۱۴۰۲).

– نافرمانی متصدیان موقوفات اجاره‌ای

در بازار زنجان، برخی موقوفات به وسیله متصدیان و متولیان به افراد مختلف اجاره داده می‌شد و غالباً مبالغ دریافتی بدون اعلام درآمدها به اداره اوقاف، صرف نیازهای شخصی می‌گردید. موقوفات دیگر نیز با مرگ بانین نخستین، توسط بازماندگان و افراد مختلف تغییر کاربری داده شده بود و مصارف آن‌ها مشخص نبود. موقوفه کاروانسرای حاج شهباز از جمله موارد قابل بررسی بود. متصدیان موقوفه که ۳ دانگ آن را به صورت ۱۵ ساله اجاره داده بودند، در ابتدا به نامه‌های اداره اوقاف جهت اعلام و تبیین میزان اجاره‌بهای دریافتی تمکین نکردند؛ اما سرانجام با مشاهده اهتمام مأموران در جمع‌آوری مدارک اوقافی جهت بررسی محل مصارف موقوفه و میزان درآمدها، مجبور به همکاری شدند. در برخی رقبات بازار زنجان، سودجویان و موقوفه‌خواران با پرداخت مبالغی به بازماندگان بانین موقوفه، درآمدها را به مصارف شخصی می‌رسانند. ۳ دانگ دکان وقفی کربلایی احمد از این جمله بود. اداره اوقاف پس از بررسی اسناد اوقافی و محل خرج

با آغاز رسیدگی به پرونده‌ها، موقوفه‌داران و متصدیان با روش‌های مختلف در تلاش برای دفع مأمورین اوقافی بودند؛ کم آگاهی مأموران نسبت به مسائل اوقاف بر این آشفتگی دامن می‌زد. آن‌ها مقارن با جنگ جهانی اول به مقابله با سیاست‌های میرمصطفی رئیس اوقاف وقت برخاستند. در این برهه با توجه به عزم کارگزاران و قدرت دولت مرکزی، به اعتراض پرداختند و نسبت به عملکرد بازرسان و نحوه رسیدگی به پرونده‌ها شکایت کردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۹۱۷؛ ص ۷؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۲۹۹؛ ص ۳ و ۵؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۹۱۷؛ ص ۵).

۶. اقدامات نهاد اوقاف زنجان در سال‌های

۱۳۱۰-۱۳۱۵. ش

با ریاست محمد اعتضاد رازانی و با توجه به چالش‌ها و کاستی‌های اداره اوقاف زنجان، کار رسیدگی به پرونده‌ها آغاز شد. بسیاری از پرونده‌های موجود مربوط به دوره قاجاریه بودند، که با مقاومت عده‌ای از متصدیان و متولیان و نبود ساز و کار منظم و ضعف قدرت اجرایی مسئولان، به تطویل کشیده شده بود. تعداد زیاد اراضی و املاک اوقافی در برخی از مناطق، رسیدگی به تمامی پرونده‌ها را دشوار کرده بود. اداره اوقاف مسائل زیر را در اولویت بررسی قرار داد و به آن‌ها پرداخت:

– نابسامانی وضعیت مهمترین موقوفه منطقه خمسه

مسجد و مدرسه جامع زنجان به عنوان مهمترین موقوفه منطقه خمسه، از اواسط دوره قاجاریه محل رقابت متولیان و ناظران وقت بود. ناظران از خاندان دارا به عنوان بانین مسجد، انتخاب متولی را حق خودشان می‌دانستند. در مقابل، متولیان براساس وقف‌نامه خاندانی، تولیت را نسل به نسل در اختیار خاندانشان عنوان می‌کردند (اسناد خاندان حسینی زنجانی، ۱۴۰۲؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۶۷۸۷؛ ص ۱۰). در این بین با توجه به نظارت و رسیدگی اندک به موقوفات، طلاب و مدرسین مسجد در طول دوره‌های مختلف از بی‌توجهی و نپرداختن حق شهریه شکایت داشتند (همان اسناد: ص ۸۷؛ ساکما، شماره سند ۳۱۰/۳۵۵۲۸؛ ص ۵۲). اداره اوقاف با آغاز رسیدگی به پرونده‌ها، موقوفه مسجد جامع را در اولویت قرار داد. تعمیرات، شکایت طلاب، حق تولیت، نظارت و میزان درآمدها، از جمله مسائل قابل رسیدگی بودند. در این برهه طلاب ضمن شکایت از نحوه رسیدگی به موقوفات، خواستار سرپرستی میرزا ابوعبدالله زنجانی به جای متولی وقت شدند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۱۲۶۰؛ ص ۱۷؛ ساکما، شماره سند ۳۱۰/۰۳۵۵۲۸؛ ص ۵-۹).

وقفی گردید، تا میزان و چگونگی مصرف درآمدها را بررسی کند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷ ص ۸۵).

سیاست اداره اوقاف زنجان پیگیری و ممارست در پرونده‌های مهم و قابل طرح و رسیدگی بود. از جمله پرونده‌های کم‌اهمیت، شکایت شخصی از اهالی طارم پیرامون املاک و زمین‌های طارم بود. بنا به اظهارات رئیس اداره، از بیست فقره موقوفات مورد ادعا، مدارک چند قطعه مزرعه وجود داشت و بیشتر زمین‌ها در اختیار خاندان ذوالفقاری و سایر متنفذان بود. به عقیده بازرسان اوقاف، با توجه به اصرار مدعی، این موضوع جهت تحقیق بیشتر به عدلیه سپرده شد، تا مورد بررسی قرار دهند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۲۱۶۹۰ ص ۹۰؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۴۱۸ ص ۸-۱۲).

– بلوک ابهرود و پرونده‌های متعدد اوقافی

مشکلات اداره اوقاف زنجان در ابهرود بیش از سایر نقاط به نظر می‌رسید. اگرچه برای بررسی و تبیین اراضی و املاک اوقافی، متنفذین و معتمدین ابهرود به ساختمان حکومتی احضار شدند؛ اما شناخت کامل و درستی نداشتند و برخی از بیم خطرات و دردسرهای احتمالی، همکاری نکردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷ ص ۲۲، ۱۸ و ۲۴). با توجه به نامه صدرالاسلام ابهری، موقوفات ابهرود با بی‌توجهی مسئولان و خیانت برخی از متولیان و متصدیان، مشخص نبود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷ ص ۲۰ و ۲۴). مزرعه بزرگ «زره‌کوبند» از پرونده‌های قابل بررسی بود. اصل وقفنامه برای تعیین وقف عام یا خاص از بین رفته بود. متولی نیز پرسش‌های مأمورین را با پراکنده‌گویی، ابهام و تعلل جواب می‌داد. او درصدد فروش دو دانگ مزرعه بود؛ اما از ممانعت اداره اوقاف و اعلام مجهول‌التولیه نامیدن مزرعه ناراضی بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۵۴۰ ص ۱۵). به گفته متولی، «سه دانگ مزرعه زمین‌های اجدادی بودند؛ اما سه دانگ وقفی را وراثت متصدیان قبلی با همکاری اداره اوقاف در اختیار داشتند» (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۵۴۰ ص ۴). در پرونده دیگر تولید ۷۲ جریب موقوفه امامزاده زیدالکبیر بود. مسجد شطاب ابهر نیز وضعیت مناسبی نداشت و تیرهای چوبی را مدعیان برداشته و ده جریب محصول موقوفه را سودجویان تصرف کرده بودند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷ ص ۱۰ و ۱۱). در شرایط وضعیت سایر موقوفات نیاز به رسیدگی داشت. شکایات یکی از نوادگان واقف پیرامون موقوفات اجدادی و نزاع با عموزادگان، مورد دیگر برای بررسی بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷ ص ۴). در روستای ارهان وضعیت موقوفات بسیار مغشوش بود. براساس گزارش مأمورین، سه فقره اظهارنامه روستای ارهان با بیش از ۹۶ شعبه

درآمدهای دکان حاج احمد، موقوفه را مجهول‌التولیه و مجهول‌المصرف اعلام کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲ ص ۸۳ و ۱۴۲).

– رقبات مجهول‌التولیه، تلاش برای تمکین متصدیان

در بازار زنجان موقوفات مجهول‌التولیه متعددی وجود داشت، که از دیرباز میزان درآمدهایشان مشخص نبود و تمکینی از سوی متولیان برای همکاری با اداره اوقاف انجام نمی‌شد. بنابراین، اداره اوقاف در پی ارسال اظهارهایی که به صاحبان رقبات فرستاد، سرانجام تصمیم به مجهول‌التولیه نامیدن رقبات گرفت. شش باب دکان بیگلربیگی، چهار باب دکان بازار و یک دانگ و نیم حمام حاج ابراهیم با توجه به عایدات نامعلوم، مجهول‌التولیه اعلام شدند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲ ص ۹۹). با این وجود، اداره اوقاف براساس وضعیت نابسامان متولیه موقوفه بیگلربیگی و برابر برخی اسناد ارائه شده، مبلغی را جهت صرف مخارج افراد تحت تکفل مطهره خانم اختصاص داد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۴۲۴ ص ۷). مطهره نیز با اصرار و پیگیری مأمورین، به دادن وکالت و سپردن امور موقوفه به رئیس اوقاف راضی شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۹۱۸ ص ۳). در برخی موقوفات نظیر حمام حاج ابراهیم که با ادعاها و شکایت‌های مختلفی همراه بود، از اول سال درآمدها براساس صورت ضمیمه، بودجه‌بندی و نظارت گردید (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲ ص ۹۹).

از بین املاک مجهول‌التولیه، رقباتی مانند کاروانسرای حاج محسن با درآمد سالیانه ۱۲۸ تومان تغییر کاربری شده بود و متولیان را مجبور به تمکین از قوانین و دستورات کردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲ ص ۱۶۱).

رسیدگی به شکایات در خصوص موقوفه‌ها

عبدالکریم مجتهد زنجانی یکی از علمای برجسته منطقه در اوایل دوره رضاشاه بود، که حسین پاشا خان خسروی نسبت به برخی موقوفات وابسته به این عالم برجسته زنجانی معترض بود. نهاد عدلیه با توجه به جایگاه متهم و طی پرونده از مراحل بدوی و استینافی، با همکاری اوقاف زنجان به پرونده شکایت خسروی رسیدگی کرد و پس از تحقیقات لازم از سوی اوقاف و شنیدن اظهارات لازم طرفین، رأی به نفع عبدالکریم مجتهد زنجانی صادر کرد و پرداخت بقیه مخارج دادرسی را بر عهده پاشا خان خسروی قرار داد (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۶۱۱۰ ص ۱۰ و ۱۱). از جمله پرونده دیگر مربوط به شکایت سبزی‌علی نصروطن درباره عمل نکردن متولی به مفاد وقفنامه اجدادش بود. او خواستار ارائه اصل اسناد

تلاش مأموران و بازرسان، نظارت و صدور حکم نسبت به پرونده‌های مهم و قابل ملاحظه و برخی پرونده‌های مربوط به روستاییان و تبیین و مشخص نمودن موقوفات مجهول التولیه به پایان رسید.

۷. اقدامات نهاد اوقاف زنجان از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۰ ش

بر اساس گزارش‌های رسمی دولتی، با افزایش تعداد و سطح آگاهی و تجربه کارکنان، از سال ۱۳۱۵ ه.ش پرونده‌ها به طور منظم بررسی شد. اداره برای پیشرفت امور، کارکنان را تشویق می‌کرد و پشتیبانی‌های وزارتخانه نیز، با اعزام مأموران و برگزاری کلاس‌های آموزشی و نظارت بر امور اوقافی ادامه داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۳۹-۴۱).

با افزایش سطح آگاهی و تجربه کارکنان و با توجه به راهنمایی و دستور وزارتخانه، قدوسی رئیس اوقاف زنجان در سال ۱۳۱۸ ه.ش، یک ناظر، متولی و فراش از بین کارکنان برای بررسی وضعیت مال‌التجارها تعیین کرد. با توجه به ایرادها و تذکرات بازرسان اداره از برگه‌های مربوط به اعلام درآمدها و مصارف رقبات مهم، ارقام ثبت شده دوباره مورد بازبینی قرار گرفت. برای مثال هزینه روشنایی مسجد جامع از ۱۰۰ به ۱۵۰ تومان افزایش یافت. به دستور مرکز صورت حساب حقوق طلاب مسجد جامع نیز از ابتدا مورد نظارت مستقیم وزارتخانه قرار گرفت، سپس جهت پرداخت به اداره دارایی ارائه شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۸۸۷۳: ص ۱۰).

- رسیدگی به وضعیت موقوفه مهم بلوک قیدار^۱

موقوفه بلوک قیدار که از دیرباز در اختیار خاندان امیرافشار قرار داشت، تا زمان مرگ جهان‌شاه خان امیرافشار در سال ۱۳۰۷ ه.ش، مورد بررسی قرار نگرفت (اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان، ۱۴۰۱؛ محسن‌اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۷). اداره اوقاف زنجان با توجه به اسناد و مدارک اوقافی، تصمیم به مداخله در موقوفه بلوک قیدار گرفت. با توجه به محتویات پرونده و استشهادیه اهالی قیدار، شعبه اول استیناف تهران رأی نهایی به ضرر خاندان امیرافشار صادر کرد (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۰۱۱۶۱۰: ص ۲۹، ۴۱ و ۴۲). در ادامه اداره اوقاف با اخطار به اهالی نسبت به پرداخت عایدات به مأمورین، میزان بهره‌های مالکانه ۱۰ سال قبل را نیز پیگیری کرد (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۰۱۱۶۱۰: ص ۲۹، ۳۵، ۴۱ و ۴۲؛ ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۹۹).

- مامشات و همکاری با موقوفه‌داران

بررسی نشده بود (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۹۹: ص ۶). تعداد زیاد مدعیان موقوفه ارهان، انبوه حصه‌ها و شعیرها و احکام گذشته، کار را برای اداره دشوار کرده بود. بخشی از موقوفه روستای ارهان، متعلق به مسجد و مدرسه سپهسالار بود و غالباً نماینده مدرسه به امور رسیدگی می‌کرد. ولی خان سالار فیروز طی نامه‌ای به شاه، ۱۳ شعیر از روستای ارهان را وقف عزاداری اعلام کرد. به عقیده کفیل اداره، تولید ۱۳ شعیر با شخص دیگری بود و شکایات سالار فیروز اساس درستی نداشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۹۹: ص ۹-۱۱ و ۱۳).

با توجه به تعداد پرونده‌ها و شاکیان موقوفه‌ها، دوری ابهر از زنجان و نظارت غیرمستقیم، بر دشواری‌های اداره افزود و نهاد اوقاف زنجان در رسیدگی به وضعیت آشفته موقوفات ابهرود، کار چندان پیش نبرد و پیگیری‌ها به نتیجه مطلوبی نرسید.

- موقوفات مجهول التولیه و مجهول‌المصرف در روستاها

در روستاهای اطراف زنجان مشکلات اداره اوقاف بیشتر به نظر می‌رسید. بازرسان برخی مواقع با مشاهده مدارک و اسناد جعلی سودجویان، دست آنان را از نظارت و تولید بر زمین‌های اوقافی کوتاه کردند. موقوفه روستای رامین در نزدیکی زنجان از آن جمله بود. اداره براساس محتویات مدارک و اسناد و عدم تمکین متصدیان، ۱۱/۵ شعیر را مجهول‌التولیه اعلام نمود و بودجه آن را با کسب اجازه از مرکز، در اختیار گرفت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲: ص ۲۳). اداره در سال ۱۳۱۳ ه.ش، با پیگیری و آمارگیری از روستاهای اوقافی، صورت درآمدهای ۴۹ فقره موقوفات مجهول التولیه و مجهول‌المصرف را تبیین کرد و به تدریج بر میزان درآمدها نظارت نمود. در این آمار برخی روستاهای آباد و مهمی نظیر صائین قلعه، زرشوران، ینگه کند، چراغ‌تپه و نصرت‌آباد وجود داشت (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲: ص ۱۲ و ۱۶).

اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه زنجان، در آغاز رسیدگی و پیگیری پرونده‌ها، به‌رغم موانع و مشکلات متعددی مانند دخالت و نفوذ نهادها و متصدیان، عملکرد موفقی در زنجان و نقاط اطراف نسبت به موقوفات مناطق دوردست داشت. لازم به ذکر است که اداره به دلیل پیچیدگی مباحث و مسائل اوقافی و میزان قابل توجه پرونده‌ها در ابهرود، منابع مالی و انسانی محدود و قدرت و نفوذ برخی از موقوفه‌داران، ناتوان از رسیدگی به تمامی پرونده‌های مجهول‌التولیه، اسناد مجعول و رقبات دخل و تصرفی بود. با همکاری وزارتخانه و

۱. قیدار در حال حاضر از شهرهای استان زنجان و مرکز شهرستان خدابنده است.

حال و منافع صاحبان قدرت را برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها می‌کردند. در اواخر دوره قاجاریه نفوذ و اقتدار عناصر برجسته زنجان موجب فرار میرمصطفی رئیس اوقاف در جریان بررسی تولیت موقوفات مسجد جامع زنجان گردید (ساکما، شماره سند ۱۸۰۹۸/۰۲۵۰:۲).

در اواخر دوره رضاشاه با توجه به قدرت دولت مرکزی و تثبیت اقتدار و نفوذ نهاد اوقاف در زنجان، ضمن رسیدگی به وضعیت موقوفات، دولت برخی موقوفات را متصرف شد. از جمله: میربهاءالدین حسینی یکی از واقفان بزرگ زنجان در عصر قاجاریه بود، که دکاکین میدان آهنگران به عنوان یکی از رقبات مهم وقفی در اختیار بازماندگانش بود و بر آن تصدی داشتند؛ اداره اوقاف مانع پرداخت اجاره‌بها از سوی مستأجران به خاندان میربهاءالدین شد و بر موقوفه نظارت مستقیم کرد (ساکما، شماره سند ۲۱۶۹۰/۰۲۵۰:۶۳). در سال‌های بعد موقوفه به طور کامل در اختیار اداره اوقاف قرار گرفت (اسناد خاندان میربهاءالدین حسینی، ۱۴۰۲). حسین خان مظفری (عاصم السلطنه) نیز به دستورات و آیین‌نامه‌های اوقافی اعتنایی نمی‌کرد و در مقابل درخواست‌های متصدی اوقاف جهت تنظیم بودجه سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۹ ه.ش، حاضر نمی‌شد. بنابراین رئیس دایره تحقیق تصمیم به اعلام نافرمانی و سرپیچی مظفری از مقررات اوقافی و وضع قرار ممنوع‌المداخله تا پایان تمکین به مقررات اوقافی را گرفت. از جمله خاندان امامی با مشاهده قرار ممنوع‌المداخله در رقبات متصرفی، قوانین بودجه ۱۳۲۰-۱۳۲۱ ه.ش را امضا کردند (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۹۰۷:۲۵۰:۱۴ و ۲۲).

- تلاش برای افزایش میزان درآمدها

با توجه به بهبود وضعیت اقتصادی دولت و افزایش میزان درآمدهای نهادهای تابع، وزارتخانه بر میزان درآمدها و هزینه‌های اداره اوقاف زنجان نظارت کامل داشت. در این راستا کفیل اداره از سوی قدوسی رئیس اوقاف، مسئولیت نظارت و رسیدگی بر درآمدهای اوقافی زنجان را برعهده گرفت و غالباً میزان بودجه اداره اوقاف را تنظیم کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۸۸۷۳/۰۲۵۰:۴ و ۱۰). سیاست اداره اوقاف زنجان احیای رقبات مجهول‌التولیه و تلاش برای تمکین متولیان و متصدیان جهت تنظیم قراردادهای اجاره‌نامه‌ها و در صورت مقاومت متصدیان، با ابلاغ قرار منع مداخله همراه بود. چنانکه پیرامون یک دانگ موقوفه روستای قره محمد، قرار منع مداخله به خرده‌مالک صادر شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۲۱۶۹۰:۷).

سیاست‌های اداره اوقاف زنجان با تنظیم بودجه رقبات، نظارت، پیگیری و مقابله با متنفذین و صدور اخطاریه و قرار ممنوع‌المداخله،

سیاست اداره اوقاف با توجه به توصیه‌ها و راهنمایی‌های وزارتخانه، همکاری و مداخلات با متصدیان و متولیان موقوفات بود. از سوی دیگر تلاش‌ها بر رسیدگی به شکایت‌های متضررین و معترضان قرار گرفت. در این رابطه وضعیت طلاب مسجد جامع که غالباً نسبت به میزان درآمدها، سیاست‌ها و عملکرد متولیان و ناظران معترض بودند، رسیدگی شد. اداره اوقاف برای جلوگیری از اعتراض‌ها، بررسی وضعیت مالی سایر مدارس دینی را موکول به پرداخت شهریه طلاب مسجد جامع کرد و در ادامه رئیس اوقاف پرداخت شهریه را مشروط به تحصیل موفق طلاب مسجد نمود (ساکما، شماره سند ۱۶۲۲/۰۰۲۵۰:۴). براساس وقف‌نامه و میزان درآمدهای مسجد جامع در سال ۱۳۱۸ ه.ش، ۵۰۰۰ ریال برای پرداخت شهریه طلاب درنظر گرفته شد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۸۸۷۳:۴). مداخلات و پذیرش خواسته متولیان موقوفات درباره میزان و شروط اجاره‌نامه‌های ابلاغ شده به متصدیان دنبال گردید. در این رابطه پیرامون اجاره ۱/۵ دانگ روستاهای نیماور و یوسف‌آباد و شکایت شخصی نسبت به شروط اجاره‌نامه ابلاغی اوقاف، دستور تنظیم اجاره‌نامه جدید با شرایط مناسب صادر شد. همچنین اداره برای جلوگیری از شبهه عمل اجاره و کاهش میزان ناراضی متأجران و متصدیان، آن‌ها را ملزم به تحویل یک برگ اجاره به اداره اوقاف کرد (ساکما، شماره سند ۲۵۰/۱۹۰۷:۲۵۰:۲۶).

- بلوک ابهررود و پرونده‌های مورد مناقشه

در ابتدای کار اداره اوقاف زنجان کمبود اسناد و شکایت‌های مدعیان در بلوک ابهررود مانع از موفقیت شد؛ اما در این مقطع برخی پرونده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. مساحت پنج جریب «مزرعه امین شناط»، از پرونده‌های مورد مناقشه میان اداره اوقاف و خاندان کشاورزی در ابهررود بود. این پرونده پس از نزدیک به دو سال کشمکش میان اداره اوقاف و خاندان کشاورزی، سرانجام با پیگیری و دادخواست تقدیمی وکلای اداره و با اعلام صلح حسین کشاورزی، موقوفه اعلام شد و به اداره اوقاف واگذار گردید (ساکما، شماره سند ۲۹۸/۰۱۱۵۰۶:۲۹۸/۰۱۱۵۰۶:۱۲ و ۷۶).

- مقابله با بازماندگان خاندان‌های موقوفه‌دار و تصرف برخی موقوفه‌ها

منطقه خمسه از دیرباز به دلیل حضور کارگزاران برجسته و خاندان‌های مهم مورد توجه دولت بود. در واقع قدرت و جایگاه بالای خاندان‌ها و عناصر مهم منطقه، دولت مرکزی را با چالش جدی مواجه می‌کرد (روزنامه ایران، ۹ شوال ۱۳۳۱ق: ۶؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۲/۶۸۶). در بیشتر مسائل مربوط به زنجان، حاکمان رعایت

متصدیان را به تمکین و پذیرش امضای بودجه وادار کرد. افزایش منابع مالی و انسانی، استفاده از نیروهای کارآزموده، پیگیری و برخورد مأموران و بازرسان، امور اوقافی زنجان را تا حدودی سامان داد.

۸. نتیجه‌گیری

با تأسیس وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره اوقاف زنجان با هدف نظارت، تنظیم و کسب درآمدها و احیای موقوفات آغاز به کار کرد. با ریاست شیخ ابراهیم زنجانی بر اوقاف کشور، رسیدگی به وضعیت نابسامان موقوفات ولایت خمسه پیگیری شد؛ اما به دلیل مقاومت متصدیان، تلاش‌ها تا پایان دوره قاجاریه با شکست مواجه گردید و میرمصطفی رئیس اوقاف به تهران فرار کرد.

با ریاست محمد اعتضاد رازانی بر اداره اوقاف زنجان در سال ۱۳۰۹ ه.ش، کار رسیدگی به پرونده‌های اوقافی آغاز شد. اداره اوقاف در ابتدا اختاریه‌هایی پیرامون منافع سالیانه املاک موقوفی، میزان مال‌الاجاره‌ها و عملکردها صادر کرد. پرونده موقوفه مسجد جامع با سابقه اختلاف از سال‌های پیش از مشروطه، دکاکین بیگلربیگی در میدان مرسل، حمام حاج ابراهیم و دکاکین وقفی بازار، ادعاهای اوقافی نواده میرزا نصرالله خان نایب، میراث اوقافی خاندان موسوی، شکایات مدعیان موقوفات طارم و موقوفات پرتعداد ابهررود، از جمله مسائل پیش روی اداره اوقاف بود. اداره اوقاف در ابتدا با عدم تمکین و مقاومت موقوفه‌داران مواجه شد. دخالت‌های سایر نهادهای دولتی در امور اوقافی و موضع ضعف اداره به دلیل تأسیس و آغاز به کار دوباره این نهاد در زنجان، از جمله موانع و مشکلات مأمورین در بررسی پرونده‌ها بود. علاوه بر آن موانع، کمبود نیروی انسانی جهت پیگیری مسائل و وکلای کارآمد برای بررسی پرونده‌های اوقافی وجود داشت و تخصیص بودجه اندک جهت رسیدگی به امور، از جمله کاستی‌ها بود. در این میان، متصدیان با توجه به سوابق اسناد وقفی و ادله خود، نسبت به عملکرد مأمورین معترض بودند. در سال‌های نخستین رسیدگی به پرونده‌ها (۱۳۱۰-۱۳۱۵ ه.ش)، موقوفه مهم مسجد جامع زنجان مورد بررسی قرار گرفت. شکایت طلاب از بی‌توجهی به پرداخت شهریه‌ها و خرابی موقوفه، از جمله موارد قابل بررسی بود. در ابتدا قرار مجهول‌التولیه صادر شد؛ اما در ادامه با نامه‌نگاری طرفین مجادله، وزارتخانه قسمتی از درآمدها را برای تعمیرات و بخشی دیگر را جهت حقوق طلاب در نظر گرفت. اداره اوقاف در بررسی

تولیت موقوفات مسجد جامع و براساس اسناد و مدارک موجود، رأی به نفع متولی صادر کرد و آنان را به عنوان متولیان اصلی شناخت. در ادامه با تلاش‌های بازرسان، متصدیان برخی رقبات مجبور به تمکین شدند و برخی موقوفات، مجهول‌التولیه و مجهول‌المصرف اعلام گردید. در سال‌های نخستین با اهتمام مأموران، ۴۹ روستا مجهول‌التولیه و مجهول‌المصرف اعلام گردید و قرار بر پیگیری و تبیین میزان درآمدها گذاشته شد و برخی توسط دولت تصرف شد. اداره ضمن دخالت در برخی رقبات نظیر حمام حاج ابراهیم، درآمدها را براساس صورت ضمیمه، بودجه‌بندی و نظارت کرد. اداره برای رسیدگی سریع به امور، ادعاهای واهی، پرونده‌های غیرقابل بررسی و زائد را از مرحله دادرسی کنار گذاشت. اداره اوقاف با وجود موفقیت نسبی در تنظیم قراردادهای، میزان درآمدها و موارد مصرفی موقوفات منطقه خمسه، در بلوک ابهررود موفق عمل نکرد. از علل این ناکامی، تعداد قابل توجه پرونده‌ها و مدعیان متعدد، از بین رفتن اصل اسناد و مدارک اوقافی و دوری راه زنجان به ابهر را می‌توان نام برد. در سال‌های پایانی حکومت رضاشاه، با افزایش تعداد کارکنان و میزان بودجه، پشتیبانی وزارتخانه، بالا رفتن سطح آگاهی و تجربه کارکنان و توجه به مسئله آموزش، پرونده‌های اوقافی با موفقیت نسبی به سرانجام رسید. به نظر می‌رسد، اداره اوقاف در اجرای دستورات و راهنمایی‌های وزارتخانه تا حدی موفق عمل کرد. در این سال‌ها اداره اوقاف سیاست مماشات و مصالحه با موقوفه‌داران را دنبال کرد، تا میزان شکایت‌ها کاسته و بر درآمدها افزوده شود و متصدیان نیز ترغیب به همکاری گردند. اگرچه اداره اوقاف در سال‌های آغازین ناکام از رسیدگی به امور اوقافی بلوک ابهررود بود؛ اما برخی پرونده‌های این حوزه مانند مزرعه امین شناط را در تمکین و صلح متصدی به پایان رساند.

با این حال باید توجه داشت که این گزارش‌ها بر اساس اسناد و گزارش‌های رسمی است که از سوی بخش دولتی ارائه شده است. همچنین این اقدامات گرچه در اصلاح برخی فرایندها و سامان دهی به امور مرتبط با اوقاف، موثر واقع شد ولی در حقیقت، تولیت بخش زیادی از املاک وقفی با عناوین مجهول‌التولیه یا به بهانه عدم تمکین متولیان، در اختیار دولت قرار گرفت؛ اقدامی که در تعارض با نیت واقفان بود. از سوی دیگر بخشی از برنامه‌ها و اقدامات، با هدف افزایش درآمد دولت از طریق تصاحب درآمدهای املاک وقفی بود. این اقدام منافع این املاک را که مقرر بود بر اساس نیت واقفان به امور خیریه اختصاص یابد را در اختیار دولت و برای اموری مغایر با نیت واقفان قرار داد.

اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷). «اینجا طهران است»، در: مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۶۹-۱۳۴۴ ه.ق. تهران: تاریخ ایران.

اعتضادالسلطنه. (۱۳۶۲). فتنه باب. توضیحات و مقالات عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.

روستایی، محسن. (۱۳۷۹). اعتضاد فرهنگ: نگاهی به زندگانی اعتضادالشریعه میرزا محمدخان رازانی بنیانگذار فرهنگ و معارف لرستان. تهران: علوم و فنون.

زنجان، ابراهیم. (۱۳۹۳). خاطرات شیخ ابراهیم زنجان. به‌اهتمام غلامحسین میرزاصالح. تهران: کویر.

سپهر، عبدالحسین. (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری. جلد دوم. به‌کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.

عیسوی، چارلز. (۱۳۸۹). تاریخ اقتصادی ایران؛ قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق. مترجم یعقوب آژند. تهران: گستره.

مصاحبه

مصاحبه با حاج زین‌العابدین معبودی نواده حاج ابراهیم معبودی «حمام حاج ابراهیم». (۱۴۰۲). زنجان: بازار زنجان.

مقالات

شعبانی پور، شهناز؛ احمدوند عباس؛ فروزش، سینا. (۱۳۹۸). واکنش علما به سطره حکومت پهلوی بر اوقاف (با تکیه بر اسناد). پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۳۶. ۱۱۳-۱۳۳.

عباسی، مهدی؛ شجری قاسم‌خیلی، رضا؛ شجاعی‌دیوکلایی، سیدحسن. (۱۴۰۱). سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول. فصلنامه علمی پژوهش‌های تاریخی، ۵۸ (۲)، ۱۹-۱۰۵.

کجباف، علی اکبر؛ بیگ محمدی، پروین؛ نورایی، مرتضی. (۱۳۹۸). بررسی کارکردهای وقف شوشتر در دوره پهلوی (« 1304-1357»). پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، ۱۴ (۲)، ۴۵-۵۸.

محسن اردبیلی، یوسف. (۱۳۸۰). خاندان‌های حکومتگر زنجان. فصلنامه فرهنگ زنجان. ۲ (۳۲)، ۹۹-۱۲۶.

نیک مهر، اسداله؛ وکیلی، هادی. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقفنامه‌های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی). نشریه تاریخ و فرهنگ، ۵۴ (۲)، ۱۰۹-۱۳۱.

پایان نامه ها

قبادی نصر، عباداله. (۱۳۹۲). بررسی کارکرد نهاد وقف در دوره پهلوی (اول و دوم) با محوریت شهرستان خرم‌آباد. گروه تاریخ دانشگاه لرستان.

نسخ خطی

مجموعه صورت وقف‌نامه در زنجان. (بی‌تا). شماره قفسه ۹۷۴۳. شماره ثبت ۸۶۲۰۹. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

منابع

اسناد

اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان. (۱۴۰۱). اسناد دوره قاجار و پهلوی. زنجان: دفتر انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان.

اسناد خاندان آل‌شاهی. (۱۴۰۲). اسناد دوره قاجار و پهلوی. زنجان: اسناد خاندان موسوی‌زنجان.

اسناد خاندان حسینی‌زنجان. (۱۴۰۲). اسناد دوره قاجار و پهلوی. زنجان: دفتر آیت‌الله العظمی حسینی‌زنجان.

اسناد خاندان میربهاءالدین حسینی‌زنجان. (۱۴۰۲). اسناد میدان آهنگران زنجان. دفتر بنیاد حاج میربهاءالدین حسینی‌زنجان.

اسناد موزه آموزش و پرورش استان زنجان. (۱۴۰۳). نامه‌های محمد اعتضاد رازانی. زنجان: موزه آموزش و پرورش استان زنجان.

اسناد موزه مهرانه زنجان. (۱۴۰۲). اسناد خاندان میرزایی. زنجان: اسناد موزه مهرانه زنجان.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما). (۱۳۲۵ق). شماره سند ۲۹۸/۰۰۲۱۵۳؛ (۱۳۳۰ق). شماره سند ۲۵۰/۰۱۶۷۸۷؛ (۱۳۰۳). شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۹۸؛ (۱۳۰۷). شماره سند ۲۹۸/۳۰۳۶۷؛ (۱۳۰۸). شماره سند ۲۹۸/۶۱۱۰؛ (۱۳۰۹-۱۳۱۴). شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۸۷؛ (۱۳۱۰). شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۴۲۴؛ (۱۳۱۰). شماره سند ۲۵۰/۰۰۲۰۸۶؛ (۱۳۱۱). شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۵۴۰؛ (۱۳۱۱). شماره سند ۲۵۰/۰۱۰۹۴۲؛ (۱۳۱۱-۱۳۱۳). شماره سند ۲۵۰/۰۰۰۲۹۹؛ (۱۳۱۲). شماره سند ۲۵۰/۰۱۱۲۶۰؛ (۱۳۱۲). شماره سند ۳۱۰/۰۳۵۵۲۸؛ (۱۳۱۳). شماره سند ۲۵۰/۰۰۹۹۴۸؛ (۱۳۱۳). شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲؛ (۱۳۱۵). شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۶۲۲؛ (۱۳۱۵). شماره سند ۲۹۸/۰۱۱۵۰۶؛ (۱۳۱۶-۱۳۱۶). شماره سند ۲۵۰/۴۸۹۲؛ (۱۳۱۸). شماره سند ۲۵۰/۰۰۸۸۷۳؛ (۱۳۲۰). شماره سند ۲۵۰/۰۰۲۱۶۹۰؛ (۱۳۲۱). شماره سند ۲۵۰/۰۰۱۹۰۷.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق). (۱۳۱۰ ه.ق). شماره سند ۱۴۲۲۲۵.

(۱۳۱۲ ه.ق)، شماره سند ۱۴۲۲۲۹.

روزنامه

روزنامه ایران. (۹ شوال ۱۳۲۱ ق). «خمسه». سال ۵۶. شماره ۲۱.

روزنامه پروین خمسه. (۱۹ اسفند ۱۳۰۹). «اخبار محلی». سال اول. شماره اول.

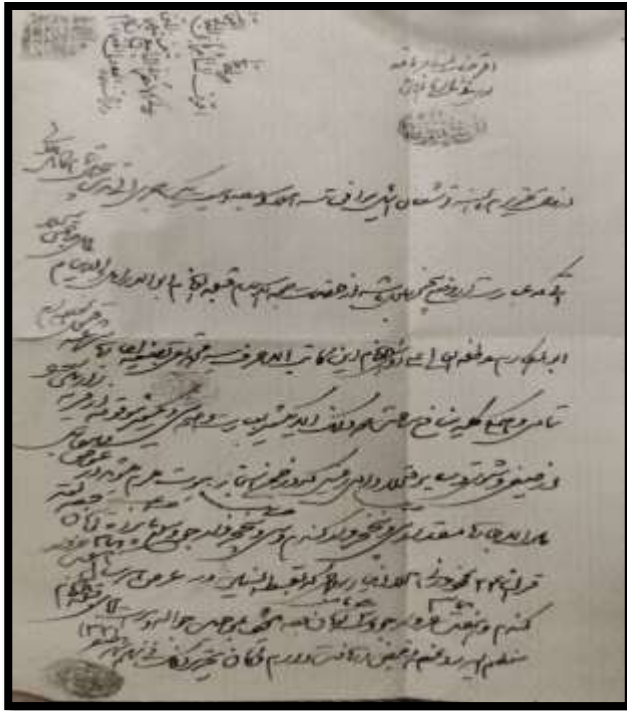
_____ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۰). «اوقاف خمسه». سال اول.

شماره ۱۴.

_____ (۲۹ دی ۱۳۱۰). «اوقاف». سال اول. شماره ۱۱۲.

کتاب‌ها

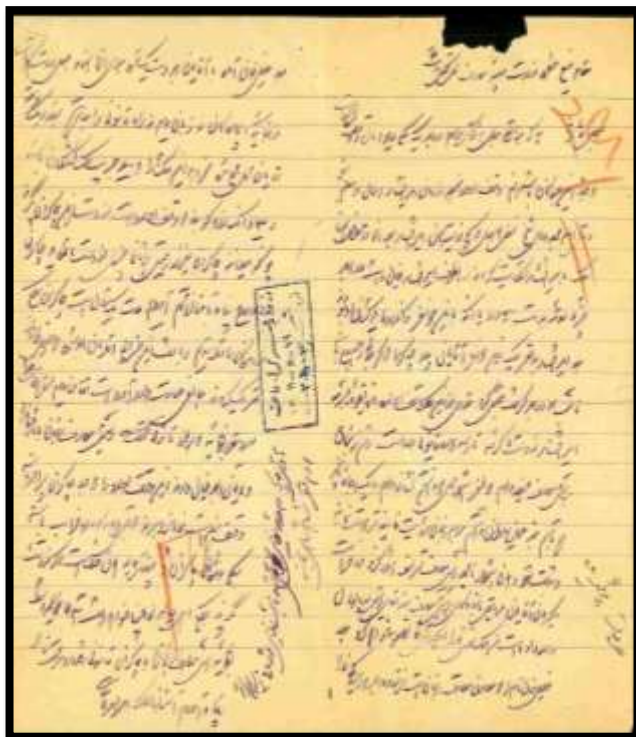
پیوست‌ها



اسناد موزه مهرانه زنجان (۱۴۰۲)



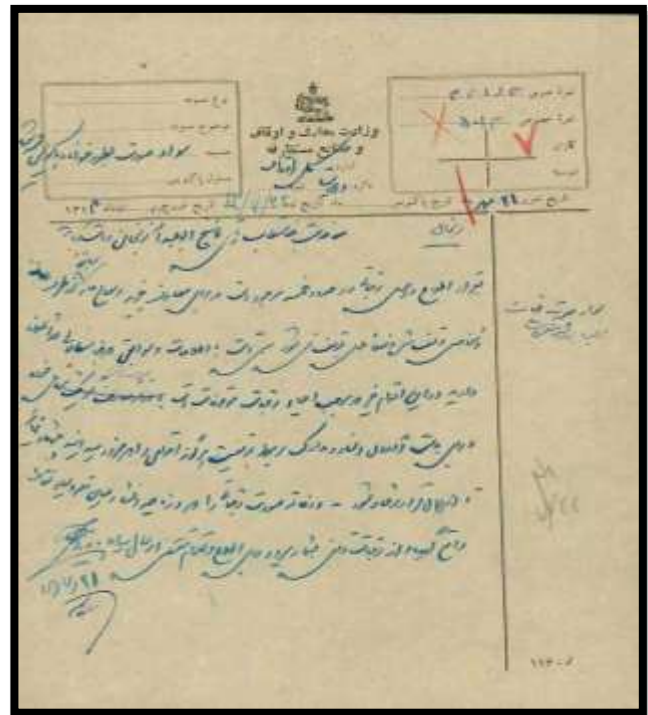
اسناد انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان (۱۴۰۱)



ساکما، شماره سند ۱۵۴۰/۰۰۲۵۰: ص ۹

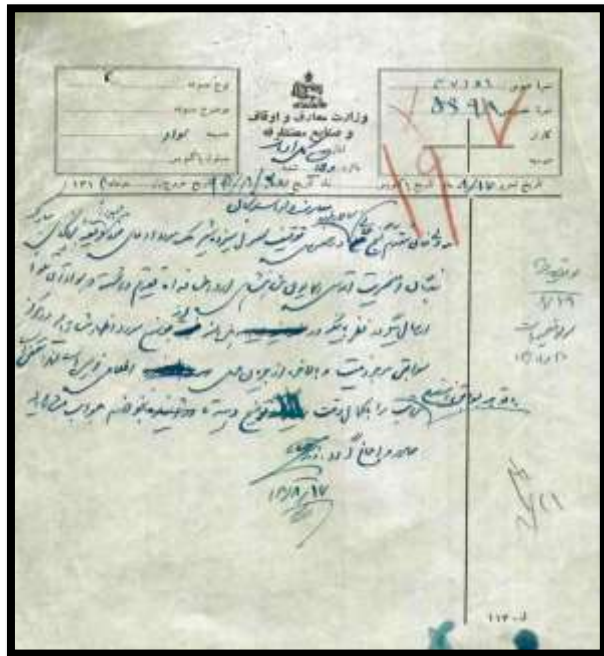


اسناد موزه آموزش و پرورش استان زنجان (۱۴۰۳)



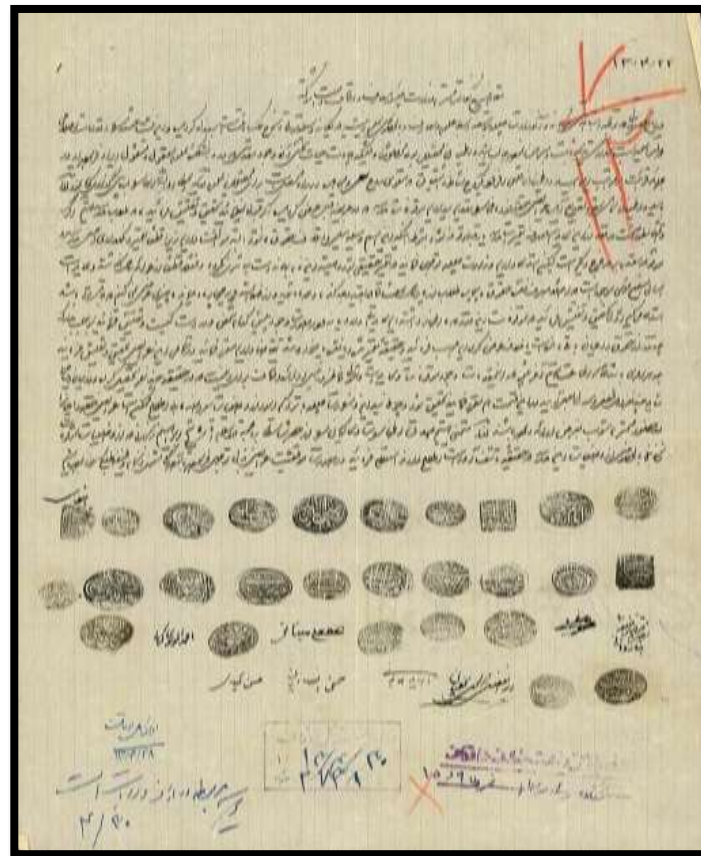
ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۸۰۸۲: ص ۱۳۵

ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۱۹۱۷: ص ۷



ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۲۹۹: ص ۵

ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۲۸۷: ص ۴۱



ساکما، شماره سند ۲۵۰/۰۰۹۴۸، ص ۷۹